



«شرق» اختلاف‌های جاری بین شبکه نمایش خانگی و تلویزیون و ادامه حیات پلتفرم‌های اینترنتی را بررسی می‌کند

برنده دعوا چه کسی است؟



شرق: اختلاف‌های بین صداوسیما و شبکه نمایش خانگی هر روز ابعاد جدیدتری پیدا می‌کند. به‌تازگی مجتبی توانگر رئیس کمیته دانش‌بنیان و اقتصاد دیجیتال مجلس شورای اسلامی با اشاره به مشکلات ایجادشده بین VODها و رسانه ملی به خانه ملت گفت: «با انتشار نامه‌ای از رئیس ساترا به رئیس سازمان صداوسیما در شبکه‌های اجتماعی با موضوع اقدامات سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر جهت برخورد و تعطیلی برخی از پلتفرم‌های پخش نمایش خانگی، انتقاداتی از سازمان صداوسیما مطرح شد؛ تا جایی که بنده به عنوان نماینده مردم در مجلس و رئیس کمیته دانش‌بنیان و اقتصاد دیجیتال مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای به رئیس سازمان صداوسیما نامه مزبور را موجب حیرت و تأسف‌برانگیز دانسته‌ و افزایش فشار بر شرکت‌های دانش‌بنیان این حوزه را ریختن آب به آسباب دشمن بیان کردم. متعاقب ارسال نامه اینجانب به رئیس سازمان صداوسیما، ایشان با بنده تماس گرفته و خواستار برگزاری جلسه‌ای میان اینجانب و رئیس ساترا جهت ارائه توضیحات شدند که پیرو صحبت با رئیس سازمان صداوسیما، جلسه‌ای با حضور سعید مقیسه رئیس ساترا و جانشین ایشان و نیز معاون پارلمانی سازمان صداوسیما برگزار شد و دوستان توضیحات خود را از فضا و مسئله بیان کردند. انتقاداتی هم نسبت به عدم پذیرش یک ساختار مورد تصویب توسط مجلس از سوی صداوسیما، عدم سعه صدر و ظرفیت در برخورد با VODها طرح کردم». او در بخشی دیگر از صحبت‌هایش گفت: «مسئولان صداوسیما هم مستنداتی از ساختار قانونی خود ارائه کردند که قانع‌کننده نبود، در عین حال که جزوه‌ای از تصاویر غیراخلاقی ارائه شد تا بنده را مجاب کنند فشار بر VODها افزایش یابد که تصاویر ربطی به VODها نداشت و مربوط به پلتفرم‌های دیگری بود. مدیران صداوسیما از بنده درخواست داشتند تا یک‌طرفه به قاضی نروم و سخنان طرفین را بشنوم. متعاقب با توضیحات ایشان از دوستان خواستم تا جهت بررسی موضوع و ارائه راهکارها جلسه‌ای مشترک میان مجلس، رئیس سازمان صداوسیما و فعالان این صنعت و پلتفرم‌های اصلی برگزار شود اما مدیران صداوسیما عنوان کردند برگزاری چنین جلسه‌ای در شأن رئیس محترم سازمان صداوسیما نیست و پیشنهاد دادند ابتدا جلسه میان فعالان این حوزه با مسئولان ساترا برگزار شود. با پذیرش این پیشنهاد و نهایتا پس از دو بار تغییر تنظیم زمان جلسه و علی‌رغم ارسال دعوت‌نامه رسمی و قول دوستان ساترا جهت حضور در کمیسیون اقتصادی مجلس در جلسه روز شنبه، سعید مقیسه و مدیران ساترا جلسه جهت شنیدن مشکلات VODها را در شأن خود ندیدند و از حضور در جلسه خودداری کرده و بی‌اعتنایی خود را به سازوکارهای رسمی کشور و نهادهای متولی موضوع از جمله مجلس شورای اسلامی، مرکز ملی فضای مجازی و وزارت ارشاد و نیز قول‌های خود نشان دادند. این سیاست عدم پاسخ‌گویی به افکار عمومی و مطالبه مردم و فرار از مشارکت در فرایند قانون‌گذاری در شان سازمان صداوسیما و مدیران ارشد آن نیست و در سالی که از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی با عنوان «تولید، دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین» نام‌گذاری شده، تضعیف و تخریب صنایع دانش‌بنیان خصوصا در حوزه‌ای با این اهمیت امری مذموم و غیراخلاقی است و سؤال‌برانگیزتر از آن این حد از فراری‌بودن سازمان صداوسیما از مشارکت در تدوین لایحه با طرح قانونی جهت تبیین حدود و ثغور حوزه صوت و تصویر فراگیر و چارچوب فعالیت ساترا و سایر متولیان این حوزه است. همان‌طور که امام راحل عظیم‌الشان فرمودند مجلس در رأس امور کشور است و مقام معظم رهبری نیز بارها به همگان تمکین به قانون و سازوکارهای رسمی و قانونی کشور را تأکید فرموده‌اند و در چنین فضایی جایگاه هیچ فرد و نهادی فراتر از قانون نیست و ضروری است تا قانون و اساسنامه ساترا جهت تصویب در مجلس مورد بررسی قرار گیرد.

چند سالی است از ایجاد پلتفرم‌های داخلی ملی گذرد. سال‌ها پیش کمترکسی متوجه ظرفیت‌های این بخش بود و ابعاد ساختاری پلتفرم‌ها به مرور آن‌قدر شاخ و برگ پیدا کرد تا به رقیبی جدی برای رسانه ملی بدل شد. هرچند آغاز ساخت‌وسازها در پلتفرم‌های داخلی با آزمون و خطاهایی همراه بود و بسیاری بزر این باور بودند که عدم آگاهی از فضای فرهنگی و سرمایه‌گذاری صرف بر روی چهره‌های

مشهور و البته عدم آشنایی کافی به جهت ساخت سریال برای طیف گسترده‌ای از مردم، پاشنه آشیل این بسترهای اینترنتی محسوب می‌شد؛ نقضی که به مرور مرتفع شد و شبکه نمایش خانگی پیش از هر چیز به دلیل نیاز جامعه به تکنولوژی روز و پاسخ به انحصار سریال‌سازی در تلویزیون به مسیرش ادامه داد. اما کشمکش‌های شبکه نمایش خانگی و صداوسیما تنها به جدال دو سال اخیر

نمی‌توان از این حقیقت چشم‌پوشی کرد که مخاطب امروز نیاز به سرگرمی دارد و عموم مردم از سریال‌های سرگرم‌کننده استقبال می‌کنند. حال در شرایطی که میزان تولیدات نمایشی صداوسیما کمتر از سابق شده است و پلتفرم‌های موجود با موانعی روبه‌رو هستند و اساسا ساخت آثارشان به میزان کافی نیست، خطرات ایجاد بسترهایی خارج از ایران که محتوایی برای مخاطب ایرانی تولید می‌کنند، بیش از پیش قوت می‌گیرد. موضوعی که در سال‌های اخیر بسیاری از کارشناسان درباره آن اظهارنظر کرده‌اند. در صورت بروز این اتفاق دیگر نمی‌توان کنترلی بر محتوای محصولات تولیدشده داشت.

و تصویر فراگیر را به رسانه ملی واگذار کرده بود. ماجرای که واکنش‌های بسیاری از سمت فعالان حوزه فرهنگ در پی داشت و بسیاری بر این باور بودند که با واگذاری این مسئولیت به رسانه ملی، ساخت سریال در پلتفرم‌ها با متر معیار همیشگی تلویزیون پیش خواهد رفت. پیش‌بینی‌ای که چندان از واقعیت دور نبود و مواضع سازمان صداوسیما در دو سال اخیر نسبت به ساختار سریال‌سازی در پلتفرم‌ها هرازگاهی واکنش‌برانگیز می‌شود.

پیمان جبلی، رئیس سازمان صداوسیما، ششم خرداد سال جاری در اظهاراتی در دانشگاه صنعتی شریف بر جایگاه نظارتی صداوسیما بر پروژه‌های شبکه نمایش خانگی تأکید کرد و در بخشی از صحبت‌هایش گفت: «هیچ‌کدام از شما به‌هیچ‌وجه همراه با خانواده محترمتان حاضر به نشستن پای یکی از قسمت‌های سریال‌هایی که همین الان از شبکه نمایش خانگی پخش می‌شود که اسم نمی‌برم و شما حتما می‌دانید، نیستید. محتوایی که اتجا بارگذاری می‌شود اعم از محتوای مستهجن به معنای واقعی کلمه، شیطان‌پرستی به معنای واقعی کلمه، محتواهای صددرد ضد دینی، ضد اخلاقی و ضد امنیتی است».

در امتداد موضع‌گیری‌ها، انتشار نامه‌ای از سوی سعید مقیسه، رئیس سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر (ساترا) خطاب به رئیس صداوسیما مبنی بر درخواست برای تشدید «برخورد بازدارنده ساترا با تخلفات پلتفرم‌های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی»، شرایط را تغییر داد. در این نامه بر سیرده‌شدن کامل این مسئولیت به صداوسیما و اجرائی‌شدن قوانین نظارتی در صورت مشاهده تخلفات تأکید شد. رئیس ساترا در گزارشی، تهیه نامه اتمام حجت با پلتفرم‌های متخلف و تعیین ضرب‌الاجل یک‌هفته‌ای برای تمکین به قانون و مقررات ساترا و توقف اقدامات متخلفانه را یادآور شد.

مقیسه در گفت‌وگویی با جام‌جم نیز تأکید کرد: «حمایت‌هایی از VODها مدنظر داریم. مثلا ممیزی رسانه‌ها قبلا پولی بود و باید VODها هزینه مربوطه را می‌پرداختند که الان رایگان شده است. حمایت دیگر این است که به پلتفرم‌ها اجازه داده شده به اقتضای مناسبت یا درخواستشان، شبکه‌های صداوسیما را پخش کنند تا سبد محصولاتشان کامل شود. خط اصلی ممیزی ما برای VODها و فضای مجازی فراگیر، رویه شبکه‌های سراسری سیماست. آنچه عموما در شبکه‌ها دیده می‌شود، می‌تواند به فضای مجازی تعمیم پیدا کند؛ پس خطوط قرمز به‌ویژه خطوط اخلاقی، دینی و فرهنگی در فضای مجازی از خطوط قرمز در شبکه‌های صداوسیما بازنر نیست. برخی فکر می‌کنند خطوط قرمز فضای مجازی یک باز است. بعضی تصور کردند با یک نظام رسانه‌ای بی‌دروپیکر روبه‌رو هستند و هرطور که بخواهند می‌توانند تولید کنند. بعد از انجام کار

ختم نمی‌شود. می‌توان ریشه این اختلاف را در زمانی جست‌وجو کرد که بسیاری متوجه این واقعیت شدند که با قدرت‌گرفتن شبکه نمایش خانگی، مدیریت افکار عمومی از دستشان خارج شده و حالا زمانی است که باید وارد صحنه شوند. نخستین اقدام، خارج‌کردن مجوزهای فعالیت‌های شبکه نمایش خانگی از دست وزارت ارشاد بود؛ آن‌هم با توسل به بندی در لایحه بودجه ۱۴۰۰ که نظارت بر صوت

شاعر تنهایی، در شناخت جهان مسعود کیمیایی به مناسبت میلاد ۸۱سالگی اش

سینا خرمیژه: باید نطفه گرفت، مثل زن‌ها آبیستن شد، تحمل کرد، مهیا بود و زایید. شعر این چنین است و شاعری، نه کار هرکس است. شاعری سزاوارترین ردا بر تن مسعود کیمیایی است. کیمیایی فیلم‌ساز، نویسنده، نقاش و نوازنده را پیش‌تر دیده‌ایم، خواننده‌ایم و شنیده‌ایم و هرکدام‌شان باد کیمیایی شاعر را به پرچم خود دیده‌اند. حالا او امسال ۸۱ساله شده است و من مثل هر سال آهنگ نوشتن از او کرده‌ام، او که خود را مدیون و وامدارش می‌دانم و می‌نویسم اگر، برای این است که توانسته باشم ذره‌ای ادای دین کنم. او را شاعر می‌بینم نه‌فقط به‌واسطه تک‌کتاب شعری که سال ۱۳۸۲ چاپ زد، بلکه به‌واسطه هر کاری که در آن دستی بر آتش داشته است. وقتی شاعرانگی در ذهن هرمنند جای دارد، در هر مدیومی نیز که ورود کند، خود را نشان می‌دهد، عیان می‌کند. دنیا بر دل شاعر جای می‌گیرد. شاعربرودن یعنی غرق در موضوع بودن. وقتی دی‌ماه ۵۴ سال قبل، فیلم بیگانه بیا بر پرده نقرهای سینماهای تهران به نمایش درآمد، خیلی‌ها از متن شاعرانه فیلم می‌توانستند حدس بزنند که آن جوان بیست‌واندی‌ساله که نویسنده و سازنده فیلم است، یک شاعر است و فرق است بین آنکه شاعر است و آنکه سعی در بافتن کلام شاعرانه با موزون دارد: «عالم شاعری برای هرکس میسر نیست؛ ولی شاعرانه شعرساختن ممکن است و بسیاری از شعرای معروف هستند که این‌طورند؛ ولی شاعر مال خلوت است و اهل خلوت». در جمع و اجتماع نیز که هست، باز در خلوت مانند شاخه‌ای به زیر بهمن می‌شکند: «ساقهای داشتم» که رویای جنگلی متبرک بود/ در کنارش / قطره خونی که در یرف / نام من بود.»

نسل غریب کیمیایی یاد گرفته بودند که از اسباب عاقبت و آرام‌گرفتن به وقت ناخوش‌حوالی، شعر است: «آدمم به خیابان، از کوچه‌های خلوت رد شدم، سوت زدم، از احمدرضا احمدی و شاملو و نیما خواندم…».

چندی پیش وقتی مسعود کیمیایی قدم روی چشم‌های من گذاشت و به نمایشگاه کعبسی که برای او در گالری

و صرف سرمایه و تخطی از محورهای محتوایی، مواجه می‌شوند با یک نظام تنظیم‌گری و می‌فهمند اینجا هم حساب‌وکتاب دارد.»

در سه سال گذشته، گمانه‌زنی‌های بسیاری مبنی بر خطمشی صداوسیما در مورد چگونگی برخورد با پلتفرم‌ها مطرح شده است. برخی معتقدند ادامه این مسیر منجر به حذف و تعطیلی شبکه نمایش خانگی خواهد شد. برخی دیگر ادامه این برخورد‌ها را منزوی‌کردن پلتفرم‌ها و عدم ساخت سریال توسط آنها اعلام می‌کنند؛ چراکه اگر تلویزیون بدون اعمال محدودیتی به سریال‌های شبکه نمایش خانگی مجوز بدهد، در طولانی‌مدت سازندگان آثار در رسانه ملی هم متوقع می‌شوند که کمترین ممیزی در سریال‌هایشان اعمال شود. از این جهت به نظر می‌رسد سریال‌های شبکه نمایش خانگی نیز باید در چارچوب ضوابط تلویزیون حرکت کنند. دسته سوم معتقدند که می‌توان سیاست میانه‌ای در پیش گرفت و با تعامل از مزایای بیشتری برخوردار شد. چنانچه رسانه ملی با شبکه نمایش خانگی به تعامل برسد، می‌توان انتظار داشت که رسانه ملی تبلیغات محصولات شبکه نمایش خانگی را پوشش دهد و تلویزیون نیز سهمی از تولیدات شبکه نمایش خانگی داشته باشد و از این طریق محصولات اختصاصی رسانه ملی را که عموما با هزینه بسیاری راهی آنتن می‌شود از این طریق تأمین بودجه کرد. از صحبت‌های اخیر محمدمهدی اسماعیلی، وزیر ارشاد نیز می‌توان متوجه شد که برخلاف خواست بسیاری از هنرمندان در برگرداندن مجوز ساخت و پخش محتوای شبکه نمایش خانگی که وزارت ارشاد، مسئولیت صدور مجوزهای شبکه نمایش خانگی همچنان بر عهده ساترا خواهد بود. او چندی پیش در نشستی در دانشگاه الزهرا تهران اعلام کرد: اینکه با صداوسیما درباره وضعیت شبکه نمایش خانگی دس‌جا اختلاف‌نظرهایی باشیم موضوعی طبیعی است، اما این اختلاف‌نظرها به این معنی نیست که بخش نظارت نمایش خانگی رها شده باشد، بلکه این نظارت همچنان توسط «ساترا» صورت می‌گیرد. در حال حاضر با همیاری رئیس سازمان صداوسیما به عنوان برادر، دوست و همکار سابق در صداوسیما به دنبال حل‌وفصل مسائل مرتبط با شبکه نمایش خانگی هستیم و وزارت فرهنگ درباره نتایج این جلسات کاملا تابع قوانین است.

اعمال محدودیت بر تولیدات شبکه نمایش خانگی در ماه‌های اخیر شدت بیشتری گرفته؛ محدودیتی که به زعم بسیاری مانع بزرگی برای پلتفرم‌ها در ساخت آثار جدیدتر است. هرچند می‌توان اعمال محدودیت‌ها و ممیزی را یکی از موانع اصلی پلتفرم‌ها دانست، اما از سوی دیگر میزان تولیدات شبکه نمایش خانگی نیز به اندازه‌ای نیست که در صورت محدودیت در پخش چند اثر تولیدشده، برنامه جایگزینی وجود داشته باشد. باید این واقعیت را در نظر گرفت که اساسا از تشکیل و ساخت آثار در بستر پلتفرم‌های ایرانی مدت زمان زیادی نمی‌گذرد و در این میان نمی‌توان انتظار راقبت چندانی را داشت. با توجه به اینکه بسیاری متوجه ظرفیت‌های خوب این بستر اینترنتی شده‌اند، می‌توان پیش‌بینی کرد به مرور به تعداد پلتفرم‌های ایرانی اضافه خواهد شد و این رقابت ابعاد جدیدتری پیدا خواهد کرد. نمی‌توان از این حقیقت چشم‌پوشی کرد که مخاطب امروز نیاز به سرگرمی دارد و عموم مردم از سریال‌های سرگرم‌کننده استقبال می‌کنند. حال در شرایطی که میزان تولیدات نمایشی صداوسیما کمتر از سابق شده است و پلتفرم‌های موجود با موانعی روبه‌رو هستند و اساسا ساخت آثارشان به میزان کافی نیست، خطرات ایجاد بسترهایی خارج از ایران که محتوایی برای مخاطب ایرانی تولید می‌کنند، بیش از پیش قوت می‌گیرد. موضوعی که در سال‌های اخیر بسیاری از کارشناسان درباره آن اظهارنظر کرده‌اند. در صورت بروز این اتفاق دیگر نمی‌توان کنترلی بر محتوای محصولات تولیدشده داشت.

در زندان قزلحصار به سال ۱۳۳۶ نوشته بود آن‌طور در فیلم آمد که پاکي و بي‌کناهی کیمیایی را بر روی صحنه قتل فرزند شاملو به نقش استاد دانشگاه فریاد می‌زد. آن زمان که اوایل دهه هفتاد، کیمیایی بی‌اعتنا به تیرهایی که می‌خورد، اسب خود را به روی آسفالت خیابان آورده بود و گویی وقتی اسب وسط ماشین‌ها در خیابان بکه‌تازی می‌کرد، فریاد می‌شنیدیم که «من همینم، من مسعود کیمیایی‌ام»، خیلی‌ها صدای شاعر کرمانی‌ما را شنیده بودند که در پشت آن صحنه می‌گفت: «شما که اسبم را در خیابان رها کردید/ و آن باران بی‌پایان را حدس نزدیک/ چرا به من امید زنده‌ماندن می‌دهید؟/ می‌دانم اسبم/ به روی آسفالت از بی‌علفی می‌میرد». اسب احمدرضا احمدی، آغاز فیلم اسب کیمیایی به سال ۱۳۵۵ هم آمد، همان‌طورکه نام سب شرقی که شعری از دفتر «وقت خوب مصائب» احمدرضا به سال ۱۳۴۷ بود، هفت سال بعد ۱۳۵۴- نام فیلم کوتاه دیگری از کیمیایی شد که برای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ساخته بود.

انگار شاعر از هر خرم، خوشه‌ای می‌چیند. شاعری نیز برای شاعر خودآگاه نیست، پس هر چیزی به شاعر بهانه‌ای برای زادن است و به تعبیر نیما یوشیج این هجوم خیال و این خاصیت، سرگیجه‌آور است و رنج است، کیمیایی ولی می‌گوید: «هجوم خیال دیوانه‌ام نمی‌کند، دل‌تنگم می‌کند»، شاعر هماره دل‌تنگ و رنجور است. رنج شاعری را در آثار کیمیایی دیده‌ام. او برخلاف طنز بی‌مانند و حُسن محضری که دارد، آثاری تلخ و گزنده خلق کرده است. آثار او با هیچ زور و قدرتی بر سر مهر نیست، از دوران خیره‌شهری‌های کیمیایی تا دوران پدري‌های خون شد. نیما یوشیج می‌گفت: «وقتی که شما شعر می‌گویید مثل این است که خواب می‌بینید» و این‌طور شاعر یک خواب‌زده است که بین ما آمد و رفت دارد. این خواب‌زدگی و این واقعی-نیمه‌واقعی بودن چیزها ندانست/ قلب دیده‌ام گذاخته من/ در درونش می‌تپید و پنهان بود/ او عاشقانه مقاومت می‌کرد.»